

باب شصت و نهم- در جواب سائل که از فقر و غنا سؤال کرده

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت عبدالبهاء - مائده آسمانی، جلد ۲، صفحه ۸۵ - ۸۷

باب شصت و نهم- در جواب سائل که از فقر و غنا سؤال کرده

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح آقا محمد هاشم کاشانی میفرمایند قوله الاحلی:

"سؤال فرموده بودید که بعضی از نفوس غریق بحر غنا نفوسی دیگر پریشان و مبتلا آیا این از آثار تقدیر است یا خود از سوء تدبیر آیا جزای عمل است و یا خود قضا و قدر؟ حقیقت این مسئله آن است که از مقتضیات نظام عمومی الهی در این کون نامتناهی آن است که غنی و فقیر هر دو موجود باشد اگر کلّ غنی گردند نظام کون بهم خورد و اگر کلّ فقیر شوند رابطه کائنات از هم بگسلد پس این فقر و غنا از مقتضیات سلسله کائنات و روابط محکمه موجودات است با وجود این سوء تدبیر را نیز اثری و همچنین حصول فقر در مواضعی جزای عمل است مثلاً هر فاسق مقامراً البته جزای عمل او فقر است و در مواقعی فقر موهبت الهی و رحمت پروردگار است و آن اینست که نفس مبارکی در سبیل الهی در امتحان شدید افتد خائمان بتالان و تاراج دهد و فقر و ضرورت حاصل گردد تا بدرجه‌ای رسد که الفقر نفی گوید و به افتخر بر لسان راند چنانکه اصحاب حضرت رسول علیه السلام در مکه خائمان بتاراج دادند و فراراً هجرت بمدینه نمودند در مدینه در نهایت فقر و فاقه ایامی میگذراندند کار بجائی رسید که در محاربه خندق قوتی جز آب نماند نفس مبارک حضرت از شدت جوع سنگ بر احشاء مبارک میبستند شبهه نیست که این فقر نخر بود و موهبت ربّانی زیرا از عقب غنای مطلق داشت و مورث ثروت ابدی و علیک البهاء الابهی ع"



ORIGINAL